

چرا دولت ریسی اینقدر کلافه است؟

آقای ریسی در انتخابات ۱۴۰۰ هیچ گفتمانی که برخاسته از ایده‌ای خاص باشد، نداشت. شعارهایی هم که برای او تهیه شد و در پوسترها انتشار یافت دست‌مالی شده و برگرفته از نمونه‌های دور و نزدیک بود.

به گزارش سایت خبری پرسون، حتی اگر بخواهیم به زور برای دولت سیزدهم، گفتمان بتراشیم، حداکثر می‌توان گفت دارای یک گفتمان مخلوط (التقاطی) است. هم شعارهای هاشمی‌رفسنجانی در آن دیده می‌شد و هم برنامه‌های روحانی در آن نفوذ داشت و هم روش‌های پوپولیستی احمدی‌نژاد؛ هر چند به صورت ناقص و ناشیانه در آن ته‌نشین شده بود.

ویژگی بی‌گفتمانی در هیچ یک از دوره‌های روسای‌جمهور پیشین سابقه نداشت و برند آن اختصاص به آقای ریسی دارد.

آقای ریسی به صورت ناگهانی و دقیقه نودی وارد کارزار انتخابات نشد. او در سال ۱۳۹۶ عزم خود را جزم کرد تا رییس‌جمهور شود. حتی در روز انتخابات، طبق برآوردهایی که دریافت کرد، پیروزی‌اش را مسلم می‌پنداشت اما گاهی تصویرها با واقعیت‌ها فاصله دارد. پس از انتخابات نیز کاملاً روشن بود که او قصد دارد در سال ۱۴۰۰ باز هم بخت‌آزمایی کند. رفتارهای تبلیغاتی در آستان قدس و سپس برخی روش‌های مدیریتی در قوه قضاییه، حکایت از آن داشت که دو سمت مذکور، تا حد قابل‌اعتنایی سکوه‌های پرش به سمت پاستور بودند که البته در دنیای سیاست ناپسند نیست.

ریسی در ۱۳۹۶ به گفتمان روحانی باخت اما برایش تجربه نشد که آن خلأ را طی ۴ سال بعد پر کند. بخت، یار او بود که در ۱۴۰۰ با گفتمان غالب و نامزدهای پر قدرت مواجه نشد تا باز هم بی‌گفتمان بودن خود را به یک «گفتمان» مسلط و قدرتمند ببازد. عبارت‌هایی مثل «دولت مردمی»، «سلام بر ابراهیم» و نظایر آن حداکثر شعارهای روبنایی و روتوش‌شده‌ای بودند که افاده گفتمان نمی‌کرد. به همین دلیل نیز آقای ریسی بعد از ۴ سال منتظر الریاسه‌بودن، برنامه‌ای گفتمان‌محور ارایه نکرد.

مثلاً هنوز از آن برنامه ۷۰۰۰ صفحه‌ای اقتصادی که در مناظره و تبلیغات از آن نام برد رونمایی نشده است. یا مثلاً در مورد سیاست خارجی و برجام، هیچ حرفی که از آن راهبرد استشمام شود، در فرآیند تبلیغاتی او دیده نشد. حتی همین الان که حدود ۱۳ ماه از عمر دولت سیزدهم می‌گذرد بلاتکلیفی در سیاست خارجی، آزاددهنده است. شعارهایی که گهگاه او درباره ایستادگی، بر حق ملت در مذاکرات می‌دهد، بیش از آنکه برنامه کار تیم آقای باقری باشد، شعارهایی است که مصرف داخلی دارد.

در حوزه فرهنگ نیز هیچ گفتمانی که بتواند به برنامه و چشم‌انداز تبدیل شود وجود نداشت و ندارد. در حوزه سیاست داخلی نیز همین بحران به‌چشم می‌خورد. همچنین اوج بی‌برنامگی دولت را می‌توان در حرکت‌های زیگزاگی دولت در حوزه اینترنت ملاحظه کرد. آقای ریسی از یک‌سو وعده‌هایی در جریان انتخابات داد که امروز در مقام اجرا کاملاً ضد آن عمل می‌شود. به عنوان نمونه آقای وزیر ارتباطات در حالی که می‌داند بخش بزرگی از شهروندان، اینترنت را روی گوشی تلفن همراه خود می‌خواهند از گسترش اینترنت خانگی حرف می‌زند! درست مثل اینکه به فرد گرسنه به جای غذا، آب بدهید.

نتیجه بی‌گفتمانی کلافگی بود اما دولت برای جبران آن روشی را برگزید که تصور می‌کند می‌تواند از آن طریق به اهدافش برسد. این راهکار حمله به منتقدان و تهاجم به دولت‌های گذشته است صدا البته که آن دولت‌ها با نارسایی‌ها، کارنا بلدی‌ها و اشتباهاتی روبه‌رو بوده‌اند و شاید انگشت نهادن بر آنها بتواند چند صباحی به ارضای روحی بینجامد، اما وقتی بدگویی‌ها به این و آن طول می‌کشد و به جیغ تبدیل می‌شود، نه فقط برای حریف سیاسی که برای خودی‌ها هم دلزدگی ایجاد می‌کند.

مشکل بی‌گفتمانی را با جیغ نمی‌شود حل کرد. اگر دولت ریسی همین را دریابد، سه سال بعد را با کلافگی کمتری طی خواهد کرد.

اعتماد